



عسکری اسلامپور کریمی

مقدمه

روحي و رواني انسان امروز، بدون ارتباط با محيط زيست نيست. هيچ كس نمي تواند منكر شود كه تخريب محيط زيست تاثير منفي بر شيوه رفتار آدميان دارد، و اثرات ويرانگري بر اخلاق فردي و جمعي جامعه بشري بر جاي مي گذارد.

در اين نوشتار برآنيم تا سه عنصر از عناصر موجود در محيط زيست؛ يعني آب، هوا و گياهان و درختان را از نگاه آيات و روايات مورد بررسي قرار دهيم و ارزش و اهميت آنها را در زندگي خويش بازشناسيم.

به طور قطع يكي از اموري كه زمينه ساز سعادت و كمال انسان در دنيا و آخرت مي باشد، داشتن محيطي سالم و امن است كه انسان بتواند در آن به تربيت جسم و جان خويش پردازد. اصولاً يكي از وظايف مهم بشر كه حفظ جان است، جز با زيستن در محيط سالم امكان پذير نيست. شرط اوليه داشتن روحي سالم، جسم سالم است و جسم سالم نيز فقط زماني حاصل مي شود كه انسان از محيط زيست طبيعي و سالم بهره مند باشد. افسردگي و افزايش بيماريهاي

آب

آب در قرآن کریم با واژه «ماء» ۶۳ بار به کار رفته و توجه ویژه‌ای به آن شده است. همچنین در منابع روایی از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام درباره این نعمت بزرگ خدادادی، روایات ارزنده‌ای نقل شده است که حجم زیاد آیات و روایات، بیانگر اهمیت آن در گستره حیات است.

قرآن کریم در آیات زیادی ریشه زندگی را هم در منشأ و پیدایش و هم در صحنه هستی و تداوم حیات از آب می‌داند. همچنین آغاز آفرینش انسان را از آب دانسته است. «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنْ الْمَاءِ بَشَرًا»^۱ «و او است که از آب بشری آفرید.» و در آیه‌ای دیگر نه تنها انسان، که مبدأ آفرینش هر جنبه‌ای را آب معرفی کرده است: «وَاللَّهُ كُلَّ خَلْقٍ دَائِيَةً مِنْ مَاءٍ»^۲ «و خدا است که هر جنبه‌ای را [نخست] از آب آفرید.»

و در آیه‌ای دیگر، به صورت کلی‌تر، مبدأ آفرینش هر موجود زنده‌ای را آب می‌داند: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ»^۳ «و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم.»

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «كُلُّ شَيْءٍ خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ»^۴ [خداوند] همه چیز را از آب خلق کرد.

در حدیث نبوی، طعم آب، طعم زندگی قلمداد گشته است. پیامبر گرامی اسلام در این باره می‌فرماید: «الْمَاءُ سَيِّدُ الشَّرَابِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَطَعْمُهُ طَعْمُ الْحَيَاةِ»^۵ آب سرور همه نوشیدنیها در دنیا و آخرت است و طعم آب، طعم زندگی است.»

یافته‌های امروز نیز منشأ حیات بودن آب را اثبات می‌کند. براساس این یافته‌ها «اصل حیات، ریشه در آب دارد و نخستین موجود یا موجودات زنده به صورت حیوان بسیط تک سلولی از آب دریا پدید آمده‌اند.»^۶

علامه طباطبایی این ادعا را «معجزه جاوید قرآن» می‌داند و

۱. فرقان/۵۴.

۲. نور/۴۵.

۳. انبیاء/۳۰.

۴. بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسة الوفاء،

بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۵۴، ص ۲۰۸.

۵. بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۲۸۵.

۶. دایرة المعارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب،

چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۰.

حیاتی آب بر موجودات زنده، از آن به عنوان «طَهُور» یاد شده است: قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَ بِهٖ﴾^۴ «و از آسمان بارانی بر شما فرو می‌فرستد تا شما را با آن پاک گرداند.»

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا﴾^۵ «ما آب پاک و پاک‌کننده را از آسمان فرو فرستادیم.»

به هر حال، آب مظهر پاکیزگی و پاک‌کننده زشتیها و آلودگیها و نویدبخش سلامت و بهزیستی انسان و محیط زیست او می‌باشد.

در روایات نیز از آن به «طَهُور» تعبیر شده است: «فَالْمَاءُ طَهُورٌ لِّكُلِّ شَيْءٍ»^۶

۱. تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، قم، انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۳ ق، ج ۱۴، ص ۲۷۹.

۲. ر.ک: تحف العقول، ص ۳۷۱.

۳. آب، میشل رایینا، برگردان صادق حداد کاوه، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۱۰ و ۱۱.

۴. انفال/۱۱.

۵. فرقان/۴۸.

۶. کنز العمال، حسام الدین هندی، چاپ

می‌فرماید: «مسئله ارتباط حیات با آب که امروزه در دیگر بررسیهای علمی جدید روشن شده، معجزه ماندنی قرآن کریم است.»^۱

آب نه تنها مایه آفرینش همه موجودات مادی است، بلکه عامل اساسی برای استمرار حیات آنها نیز هست؛ به طوری که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «زمین را قوامی نیست، مگر به آب.»^۲ یعنی، قوام و بقای موجودات، مرهون آب است؛ زیرا این اکسیر حیات، مهم‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده هر موجود زنده است و در همه فعل و انفعالات درون آن نقش بسزایی دارد.

برای نمونه، بدن انسان به اسفنجی می‌ماند که آب، آن را فرا گرفته است که میزان این آب در یک انسان بالغ، ۵۸ تا ۶۸ درصد بدن او است که اگر به میزان ۱۰ درصد از آن کاسته شود، پیامدهای ناگواری برای او به بار خواهد آورد و اگر به ۲۰ درصد برسد، ممکن است موجب مرگ وی شود.^۳

از دیگر فواید ارزشمند آب، پاکیزگی و پاک‌کنندگی است. بر این اساس، در آموزه‌های اسلامی علاوه بر ذکر نقش

مانند نماز می فرماید: «عَسَلُ الثِّيَابِ يُذْهِبُ الْهَمَّ وَالْحَزْنَ وَهُوَ طَهْوَرٌ لِلصَّلَاةِ»^۲ شستشوی لباسها، غم و اندوه را برطرف می سازد و موجب دستیابی به طهارت برای نماز است.»

بدین سان آب با وصف پاک‌کنندگی، چهره‌ای مقدس به خود می‌گیرد که رفتن به حضور خالق یکتا بدون آن میسر نمی‌شود.

تماشای آب، شکر و سپاس الهی را می‌طلبد. در روایات نگاه به آب جاری توصیه شده و آن را سبب جلای چشم و افزودن روشنایی آن دانسته‌اند؛ امام کاظم علیه السلام فرمود: «ثَلَاثٌ يَجْلِيْنَ الْبَصَرَ النَّظْرُ إِلَى الْخَضْرَاءِ وَالتَّنْظُرُ إِلَى الْمَاءِ الْجَارِيِ وَالتَّنْظُرُ إِلَى الْوَجْهِ الْحَسَنِ»^۳ سه چیز چشم

نگاه مسلمانان به آب، نگاهی سرشار از قداست، پاکیزگی و عظمت است. آب وسیله‌ای است که زمینه ارتباط آنان با معبودشان را فراهم می‌سازد. در شریعت اسلامی هیچ کس نمی‌تواند در آستان قدس الهی به نماز ایستد، مگر اینکه خود را با آب شستشو دهد^۱ و این شستشو با آب دارای خصوصیات و ویژگیهایی است که اگر درست انجام شود، نام وضو و غسل به خود می‌گیرد.

هیچ مسلمانی نمی‌تواند به طواف خانه خدا بپردازد، جز آنکه زمینه آن را با آب فراهم آورده باشد و نیز تماس با خطوط قرآن کریم جایز نیست، مگر اینکه قبلاً با زلال آب تماس گرفته باشد؛ بنابراین، آب نه تنها جسم ظاهری را شستشو می‌دهد، بلکه پاک‌کننده روح نیز هست. چه بسیار از آلودگیهای روحی که با انجام غسل و وضو و پاکیزگی لباس از انسان دور می‌شود.

امام صادق علیه السلام در باره شستشوی لباس و نقش آن در زدودن اندوه و شرط راه یافتن به حریم مقدسات دینی

بیروت، مؤسسة الرسالة، ج ۹، ص ۳۷۲.
۱. داشتن وضو یا غسل شرط تکالیف واجب است و برای انجام دعاها و تکلیفهای مستحبی، مستحب است و اصولاً وضو داشتن در تمام حالات در اسلام امری نیکو است. (ر.ک: عروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۴۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۵۸)

۲. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بیست جلدی، ج ۵، ص ۱۴.

۳. همان، ج ۱۰، ص ۲۴۶، ج ۵۹، ص ۱۴۴.

فضایی سالم برای زندگی و تنفس انسانها و سایر موجودات کره زمین به راحتی در خواهیم یافت.

این قشر ضخیم که همچون سقفی بلورین اطراف ما را احاطه کرده، در عین اینکه مانع تابش نور خورشید نیست، به قدری محکم و مقاوم است که از یک سدّ پولادین ضخیم نیز محکم تر است. مفهوم برخی از آیات قرآن کریم نیز مؤید همین مطلب است، مانند: «وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا»؛^۱ «آسمان را سقف محفوظی قرار دادیم.» مراد از واژه «سما» در این آیه شریفه همان جوّ زمین است؛ یعنی قشر هوای مشترکمی که دور تا دور کره زمین را فرا گرفته است و ضخامت آن صدها کیلومتر می باشد.^۲

جوّ زمین آن قدر ضخامت و غلظت دارد که همچون زرّهی، زمین را از شرّ مجموعه مرگبار بیست میلیون سنگ آسمانی که در روز با سرعتی حدود ۵۰ کیلومتر در ثانیه به آن برخورد می کنند، محفوظ می دازد. اگر

را جلا و روشنایی می دهد: نگاه به سبزه [و چمن]، نگاه به آب جاری و نگاه به چهره نیکو [و زیبا].»

افزون بر آنچه گذشت، امروزه آب نقشی اساسی در بخشهای گوناگون اقتصاد، کشاورزی و تجارت و حمل و نقل ایفا می کند.

هوا

کره زمین به وسیله قشری از هوا، که جوّ نامیده می شود، احاطه گردیده است. وجود این قشر از هوا برای انسان، حیوان و گیاه شرط لازم زندگی است. هوا، مخلوطی است بی رنگ و بی بو که از عناصر مختلفی همچون ۲۱ درصد اکسیژن، ۷۸ درصد از نیت، ۱ درصد سایر گازها و موادی مثل ذی اکسید کربن، آب و گازهای کمیابی همچون: کریبتون، نئون، گزفون، آرگون و غیره تشکیل شده است؛ بنابراین، مقصود از هوا، جوّ زمین یا قشر ضخیمی از ترکیبات انواع گازها است که کره زمین را احاطه کرده است. اگر به نقش حیاتی این قشر ضخیم هوا که زمین را از هر سو احاطه کرده است، بیندیشیم، نقش آن را در فراهم سازی

۱. انبیاء/۳۲.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۲۰.

وزش به خود گیرد، باد نامیده می‌شود.^۲

امام علی علیه السلام درباره اثر هوای هر فصل بر انسان فرموده است: «تَوَقَّوْا الْبَرْدَ فِي أَوَّلِهِ وَتَلَفَّوْهُ فِي آخِرِهِ فَإِنَّهُ يَفْعَلُ فِي الْأَبْدَانِ كَفَعْلِهِ فِي الْأَشْجَارِ أَوَّلُهُ يُخْرِقُ وَآخِرُهُ يُورِقُ»^۳ از سرما در آغاز آن (فصل خزان) پرهیز کنید و در پایان آن (فصل بهار) به استقبال آن بشتابید (در پاییز خود را پوشانید و در آغاز بهار از لباسهای خود کم کنید)؛ زیرا تأثیر سرما بر بدنها و درختان یکسان است. اول سرما [درختان را] می‌سوزاند [و باعث ریزش برگها و خشکاندن درختان می‌شود] و پایان آن می‌رویاند [درختان را به برگ و بار می‌آورد].»

گرچه به ظاهر سرمای ابتدای پاییز و سرمای ابتدای بهار از جهت

هوای محیط زمین اندکی از آنچه هست رقیق‌تر شود، اجرام آسمانی که هر روز به مقدار چند میلیون عدد به آن اصابت می‌کند و در همان فضای خارج منفجر و نابود می‌شود، به سطح زمین می‌رسند و هر گوشه آن را مورد اصابت قرار می‌دهند.^۱

هوا یا اکسیژن، لازمه حیات است و نیاز به آن بیش از آب و غذا می‌باشد. در اهمیت هوا همین بس که آدمی می‌تواند بدون غذا چند روز یا حتی چند ماه زنده بماند، ولی بدون هوا چند دقیقه بیش‌تر نمی‌تواند زنده بماند. این عامل حیاتی اطراف زمین را فرا گرفته است و ما اکسیژن مورد نیاز خود را به وسیله تنفس از هوای می‌گیریم.

در بیانات حضرات معصومان علیهم السلام از تأثیر شگرف هوا بر جسم و جان سخن به میان آمده و آثار مخصوص هوای هر فصل بیان شده است. در منابع روایی اسلام به منافع فراوان گرما و سرما در طول سال اشاره شده و نیز در قرآن و روایات «بادها» با اهمیت تلقی شده‌اند. پیدا است که باد چیزی جز هوا نیست و اگر هوا حالت

۱. همان، ج ۳، ص ۴۰۰.

۲. در گفتگو بین امام صادق علیه السلام و مفضل نیز به این نکته اشاره شده است: «وَمِنْهُ [الْهَوَاءُ] الرِّيحُ الْهَائِيَّةُ؛ و بادهای شدید از جنس هوا است.» (بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۲۰).

۳. نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۱۱۴۶، حکمت ۱۲۳؛ نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۴۹۱، حکمت ۱۲۸.

همراه بارطوبت، زمینه مناسبی برای ایجاد طبیعت حیات و زندگی است و سبب رشد گیاهان و به برگ و بار آمدن درختان و تقویت بدن انسانها می شود.^۱

امام صادق علیه السلام در گفتگو با «مفضل بن عمر» به سودمندی سرما و گرما در طول سال اشاره فرموده و آن را سبب عبرت بشر و دلیل محکمی بر تدبیر حکیمانه الهی دانسته‌اند: «اغْتَبِرْ بِهَذِهِ الْحَرِّ وَالْبَرْدِ كَيْفَ يَتَعَاوَرَانِ الْعَالَمَ وَيَنْصَرِفَانِ هَذَا التَّصْرِيفَ مِنَ الرِّيَازَةِ وَالنَّقْضَانِ وَالْإِعْتِدَالِ لِإِقَامَةِ هَذِهِ الْأَزْمِنَةِ الْأَرْبَعَةِ مِنَ السَّنَةِ وَمَا فِيهِمَا مِنَ الْمَصَالِحِ ثُمَّ هُمَا بَعْدَ دِباغِ الْأَبْدَانِ الَّتِي عَلَيْهَا بَقَاؤُهَا وَفِيهَا صَلَاحُهَا فَإِنَّهُ لَوْ لَا الْحَرُّ وَالْبَرْدُ وَتَدَاوُلُهُمَا الْأَبْدَانِ لَفَسَدَتْ وَأَخْوَتْ وَانْتَكَنَتْ فَكَزَفِي دُخُولِ أَحَدِهِمَا عَلَى الْآخَرِ بِهَذَا التَّدْرِيجِ وَالتَّرْسُلِ فَإِنَّكَ تَرَى أَحَدَهُمَا يَنْقُصُ شَيْئًا بَعْدَ شَيْءٍ وَالْآخَرُ يَزِيدُ مِثْلَ ذَلِكَ حَتَّى يَنْتَهِيَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُنْتَهَاهُ فِي الرِّيَازَةِ وَالنَّقْضَانِ وَلَوْ كَانَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْآخَرَى مُفَاجِئَةً لَأَضَرَّ ذَلِكَ بِالْأَبْدَانِ

درجه برودت یکسان می‌نماید و هر دو فصل را فصل اعتدال هوا به شمار می‌آورند، ولی تأثیر این دو کاملاً متضاد بوده و اثری مخالف یکدیگر دارند.

ابن میثم بحرانی در شرح این مطلب می‌نویسد: «پرهیز از اول سرما که ابتدای پاییز است به این دلیل است که تابستان و پاییز هر دو از جهت خشکی [یبوست] مشترک هستند و بدنها با حرارت تابستان خو گرفته‌اند؛ از اینرو، هنگامی که با سرما مواجه شوند، به سرعت از آن متأثر شده و دو نیروی برودت و یبوست که طبیعت ضعیف و فنا است، در بدن قوی می‌شود و به همین دلیل درختان خشک شده و برگهای آنها می‌سوزد و بدنها ضعیف و لاغر می‌شود... اما سرما در آخر زمستان و طلیعه بهار اثری به عکس دارد؛ زیرا زمستان و بهار در طبیعت رطوبت اشتراک دارند؛ ولی زمستان سرد است و بهار گرم و از اینرو، سرمای آخر زمستان با حرارت بهاری ممزوج شده و از شدت سرما کاسته می‌شود و این اعتدال حرارت

۱. شرح نهج البلاغه، کمال الدین هبثم بن علی بن میثم بحرانی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ج ۵، ص ۳۱۱.

﴿وَالذَّارِيَاتُ ذُرَّوَاتُ﴾؛ که همه مفسران قرآن، مراد از آن را بادهای دانسته‌اند^۲ و دلیل آن را بیان پیامبر اکرم ﷺ و حدیث امام علی علیه السلام^۴ در پاسخ سؤال «ابن کوا» بیان می‌دارند.

شیخ طوسی رحمته الله پس از بیان اینکه شاید مراد قسم به پروردگار بادهای باشد، می‌گوید: «اگر قسم به خود بادهای باشد، دلیل آن عظمت مهمی است که در سکون و وزش بادهای، برای پراکندن ابرها و گرده‌افشانی میوه‌ها و غذاها نهفته است.»^۵

مرحوم طبرسی دلیل قسم به بادهای را دو چیز دانسته است: «نخست، سودمندیهایی فراوان در بادهای برای بندگان و دوم، اینکه بادهای دلیلی بر وحدانیت خداوند و نوآوری آفرینش او است.»^۶ جالب این است که خداوند

وَأَسْقَمَهَا^۱ [ای مفضل!] به گرما و سرما با دیده عبرت بنگر که پیاپی بر این عالم وارد می‌شوند. این دو دما، با فزونی و کاستی و تعادل باعث شده‌اند که فصول چهارگانه و تنوع هوا در سال پدید آید و مصالح فراوان را در پی داشته باشند. این دو (گرما و سرما) بدنهای را دباغی کرده و باعث پایداری و استحکام آنها می‌گردند. اگر سرما و گرما و تداول و تناوب آنها نسبت به بدنهای نبود، هر آینه بدنهای فاسد می‌شدند و از بین می‌رفتند. تأمل کن که چگونه یکی از آن دو به تدریج وارد دیگری می‌شود. تو می‌بینی که یکی از آن دو اندک‌اندک کم می‌شود و دیگری آرام آرام افزوده می‌شود تا هر یک به منتهی درجه خود در فزونی و کاستی برسند؛ اگر یکی از آن دو، ناگهان وارد دیگری می‌شد، باعث زیان و بیماری بدنهای می‌گردید.»

در قرآن و روایات اسلامی از تأثیر مهم بادهای در زندگی انسان و نقش عظیم آن در عدم تعفن اشیای روی زمین سخن به میان آمده است. خداوند متعال در سوره مبارکه ذاریات، سوره را با سوگند به بادهای آغاز می‌کند:

۱. بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۱۸.

۲. ر.ک: تفسیر روح المعانی، ج ۲۷ و ۲۸، ص ۲؛ مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۵۴؛ التبیان، ج ۹، ص ۳۷۹؛ تفسیر شبر، ص ۴۸۶؛ تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۳۹۴.

۳. روح المعانی، ج ۲۷ و ۲۸، ص ۲.

۴. تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۳۹۴.

۵. التبیان، ج ۹، ص ۳۷۹.

۶. مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۵۴.

جَمِيعاً وَتَغَيَّرَتْ؛^۳ اگر چند روز بادهای حبس شده و نوزند، همه چیز تغییر پیدا کرده و فاسد می‌شوند.»

علامه مجلسی در شرح این حدیث می‌نویسد: «بادهای باعث دفع فساد از اشیای روی زمین می‌شوند و به منزله روح و بدن هستند که هر گاه روح از بدن خارج شود، بدن متعفن می‌شود؛ چنان که اگر باد نوزد، فساد و تعفن روی زمین را فرا خواهد گرفت.»^۴

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَلَسَتْ تَرَى زُكُودَهَا إِذَا رَكَدَتْ كَيْفَ يُخْدِثُ الْكَرْبُ الَّذِي يَكَادُ أَنْ يَأْتِيَ عَلَى النَّفْسِ وَيُحَرِّضُ الْأَصْحَاءَ وَيَنْهَكُ الْمَرْضَى، وَيُفْسِدُ الشَّمَارَ وَيَغْفِنُ الْبُقُولَ وَيَعْقُبُ الْوَلَاءَ فِي الْأَبْدَانِ وَالْأَفَّةَ فِي الْعَلَاتِ؛^۵ [ای مفضل!] نمی‌نگری هنگامی که باد می‌ایستد و رکود می‌یابد چگونه مصیبت برپا می‌کند که جانها را در معرض هلاکت می‌افکند، سالمان را

پس از سوگند به بادهای، به سه چیز دیگر سوگند خورده است: «فَالْحَامِلَاتِ وَقَرَأَ فَالْجَارِيَاتِ يُنْشَرَأَ فَالْمُقْسَمَاتِ أَمْراً؛^۱ گرچه مراد از آنها را ابرهای حامل باران و کشتیها و ملائکه دانسته‌اند، اما بعید نشمرده‌اند که مراد از این سه نیز بادهای باشند و فخر رازی این احتمال را نزدیک‌تر به واقع دانسته است؛ زیرا بادهای افزون بر پراکنده کردن ابرها و گرده‌افشانی غذاها، ابرها را حمل و جابجا کرده و در فضا به آسانی جریان داشته و ابرها را برای نقاط مختلف زمین تقسیم می‌کند.»^۲

در هر صورت، سوگند به بادهای نشان از نقش عظیم آنها در زندگی بشر و تأثیر آن بر جسم و جان انسانها دارد. روایات اسلامی این نکته را به روشنی بیان کرده و متذکر شده‌اند که بادهای باعث عدم تعفن اشیای روی زمین هستند و اگر بادهای وجود نداشتند، تعفن اشیای و آلودگی محیط زیست بشر، مشکلات بسیاری را برای انسان به وجود می‌آورد.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «الرَّيْحُ لَوْ حَبَسَتْ أَيَّاماً، لَفَسَدَتِ الْأَشْيَاءُ»

۱. ذاریات/۲-۴.

۲. تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۳۶۹؛ تفسیر

کشاف، ج ۴، ص ۳۹۴.

۳. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۱۵.

۴. همان.

۵. بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۱۹.

موزون برگها، چشم انداز بهجت آور بوستانها و جنگلها، انسان را غرق در لذت و شادی می کند. افسردگیها و غمها را می زداید و در وی تازگی سرور آمیز می آفریند.

تماشای گیاهان خرم و سرسبز و نگاه به مناظر جذاب آنها، از مواردی است که شریعت اسلام بدان دعوت نموده است. تعبیرهای پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز در بیان فواید فراوان این نعمتهای خدادادی (گیاهان)، بسیار حیرت انگیز است.

قرآن کریم در چندین آیه، گیاهان را «شادی آفرین» دانسته و آنها را به «بهجت انگیزی» توصیف می کند که به جهت اختصار به یک آیه شریفه اشاره می کنیم:

قرآن کریم می فرماید: ﴿ وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ﴾^۲ «زمین را مرده و فسرده می بینی و چون آب باران بر آن فرستیم، بجنبند و بر دمد و

بیمار و بیماران را ناکار و میوه ها را فاسد و سبزیها را متعفن می گرداند. و وبارا در بدن انسانها به دنبال دارد و غلات را آفت زده می کند.»

ابن عباس باد را لشکر بزرگ خداوند دانسته است. از وی نقل شده است که آب و باد دو لشکر از لشکرهای الهی اند و باد لشکر بزرگ خدا است.^۱

گیاهان

گیاهان و درختان، سهمی بسزا و نقشی بسیار مهم در زندگی بشر دارند. تلطیف هوا، تعادل دمای محیط، حفاظت از خاک و تأمین بخشی از مواد غذایی مورد نیاز انسان و سایر موجودات، بخشی از سودمندیهای فراوان آنها است. افزون بر اینها، گیاهان و به طور کلی فضای سبز که شامل مراتع و جنگلها و پارکها می شود، تأثیر بسیار مثبتی بر روح و روان آدمی دارند.

تماشای گلبرگهای لطیف و خوش رنگ، غنچه های زیبا و بانشاط، شکوفه های دلربا و جذاب، گلهای رنگارنگ و با طراوت، ترکیب

۱. ر. ک: همان، ج ۵۷، ص ۱۸: «الْمَاءُ وَالرِّيحُ جُنْدَانِ مِنَ جُنُودِ اللَّهِ وَالرِّيحُ جُنْدُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ»
۲. حج/۵.

شده که فرمود: «الطِّيبُ نُشْرَةٌ وَالْعَسَلُ نُشْرَةٌ وَالرُّكُوبُ نُشْرَةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى الْخَضْرَاءِ نُشْرَةٌ»^۱ بوی خوش، عسل، سوارکاری و نگاه به مناظر سرسبز و خرم، باعث نشاط و شادی می‌شود.

بر طبق این نقل، نگاه به مناظر جذّاب و سرسبز گیاهان، برخی از بیماریهای روحی و روانی را از بین می‌برد و افسردگیها و غمها را می‌زداید؛ چنانکه تشریح معنای واژه «نشره» مؤید آن است: «نشره، چیزی است که موجب آرامش و راحتی اعصاب می‌شود، پس از آنکه دچار بیماری و افسردگی شده است.»

از این روایت و روایات مشابه درمی‌یابیم که تماشای سرسبزی و خرمی گیاهان و درختان لذت‌بخش و شادی آفرین است؛ به گونه‌ای که گاه شگفتی و حیرت انسان را برمی‌انگیزد و با دیگر لذتها و خوشیها رقابتی پیروزمندانه می‌کند.

امام صادق علیه السلام، در ابتدا، منافع

انواع گیاهان زیبا و شادی آفرین برویاند.

ایسن طراوت، نشاط و بهجت‌انگیزی گیاهان و درختان در انسان انگیزه ایجاد می‌کند و او را به سمت عمران و آبادانی زمین و امیدواری به زندگی سوق می‌دهد؛ چنان‌که علامه شعرانی رحمته الله علیه در این باره می‌نویسد: «خرمی گیاه سبز و درخت و گل و شکوفه که در این آیات ذکر شده است، در انسان رغبت و نشاطی به وجود می‌آورد که زمین را آباد کند و کشت و زرع بسیار شود و روزی مردم فراخ گردد.»^۱

در سخنان زیبای معصومان علیهم السلام نیز در رابطه با تأثیر بسیار مثبت گیاهان و درختان در جسم و روح آدمی، تعبیرهای گوناگونی آمده است. در برخی از روایات، از تأثیر مناظر سرسبز بر تقویت دیده و بصیرت انسان و زدودن افسردگیها و از بین رفتن بیماریهای روحی و روانی، سخن به میان آمده است که به جهت اختصار به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل

۱. نشر طوبی، علامه شعرانی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۹۸ق، ص ۹۷.
۲. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۸۹.

نمی‌آوردند، مگر اینکه در کنار آن سبزی وجود داشت؟ گفتم چرا؟ حضرت فرمود: «لِأَنَّ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ خَضِرَةٌ فَهِيَ تَحِنُّ إِلَى شَكْلِهَا»^۱ دل‌های مؤمنان سبز است و به سبزی اشتیاق دارد.»

براساس روایت دیگری امام کاظم علیه السلام فرمود: «أَمَا عَلِمْتِ أُنَى لَا أَكُلُ عَلَى مَايِدَةٍ لَيْسَ فِيهَا خَضِرَةٌ»^۲ آیا نمی‌دانی که من از سفره‌ای غذا نمی‌خورم که در آن سبزی نباشد.»

برخی از روایات گلها و درختان ویژه‌ای را برشمرده‌اند که استشمام آنها تأثیر مثبت و شگرفی بر روان آدمی دارد؛ چنانکه امر به استشمام گل سرخ، نرگس و... شده است و بوی عطرآگین ملانکه به بوی خوش گل تشبیه شده است. امام کاظم علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارش علیهم السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که حضرت فرمود: «وَرَائِحَةُ

فراوان گیاهان و درختان و استفاده بیش‌تر از آنها را متذکر می‌شود و آن‌گاه به «مفضل بن عمر» می‌فرماید: «مَعَ مَا فِي النَّبَاتِ مِنَ التَّلَذُّذِ بِحُسْنِ مَنَظَرِهِ وَنَظَارَتِهِ الَّتِي لَا يُعَدُّ لَهَا شَيْءٌ مِنْ مَنَاطِرِ الْعَالَمِ وَمَلَاهِيهِ»^۱ با آنچه از لذت که در نگاه کردن به گیاهان وجود دارد که هیچ‌یک از مناظر عالم و لذتهای آن با این لذت برابری نمی‌کند.»

در منابع روایی اسلام بر این نکته تأکید شده که سفره‌های خویش را با سبزی آراسته کنید و نهادن سبزی در سفره، در کنار «بِسْمِ اللَّهِ» ذکر شده است: «خَضِرُوا مَوَائِدَكُمْ بِالْبَقْلِ فَإِنَّهُ مَطْرَدَةٌ لِلشَّيْطَانِ مَعَ التَّشْمِيَةِ»^۲ سفره‌های خود را با سبزی، سرسبز کنید؛ زیرا وجود سبزی در سفره همراه با بسم الله، دور کننده شیطان است.»

در روایت دیگری، «حَنَان» گزارش می‌کند که: «من همراه امام صادق علیه السلام بر سر سفره بودیم. حضرت سبزی میل فرمود؛ ولی من به دلیلی سبزی مصرف نمی‌کردم. امام به من فرمود: مگر نمی‌دانی که هیچ‌گاه برای امیر المؤمنین، علی علیه السلام غذا

۱. همان، ج ۳، ص ۱۲۹.

۲. مکارم الاخلاق، ص ۱۷۶.

۳. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، چاپ بیروت، ج ۱۶، ص ۵۱۳.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۵۳۱.

زمستان است.»

در حدیث دیگری چنین آمده است: «سَمَّ النَّرْجِسِ يَوْمٌ مِنْ الرُّكَامِ»^۵ استشمام گل نرگس [بدن را] در مقابل زکام ایمن می‌سازد.»

بدیهی است که این‌گونه روایات بیانگر اهمیت استشمام گل، به ویژه گل سرخ و گل نرگس و بیان‌کننده تأثیر مهم و شگرف آن بر جسم و جان آدمی است.

از آنچه گذشت درمی‌یابیم که غنچه‌ها، شکوفه‌ها، درختان، جنگلها و مراتع از زیباییهای طبیعت‌اند که خداوند در زمین به ودیعت نهاده است.

حیال که این چنین سلامت و طراوت جسم و جان ما در گرو محیط و طبیعتی است که در آن زندگی می‌کنیم، سزاوار است با جدیت تمام در حفظ محیط زیست سالم، کوشا باشیم.

الْمَلَأَيْكَةَ رَائِحَةَ الْوَرْدِ؛^۱ بوی خوش فرشتگان الهی، بوی [دل‌انگیز] گل است.»

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در اهمیت استشمام گل سرخ فرمود: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَشُمَّ رَائِحَتِي فَلْيَشُمَّ الْوَرْدَ الْأَحْمَرَ»^۲ هر کس می‌خواهد بوی عطر آگین مرا ببوید، گل سرخ را استشمام کند.»

درباره گل نرگس نیز از پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که فرمود: «سَمُّوا النَّرْجِسَ وَلَوْ فِي الْيَوْمِ مَرَّةً وَلَوْ فِي الْأَسْبُوعِ مَرَّةً وَلَوْ فِي الشَّهْرِ مَرَّةً وَلَوْ فِي السَّنَةِ مَرَّةً وَلَوْ فِي الدَّهْرِ مَرَّةً فَإِنَّ فِي الْقَلْبِ حَبَّةً مِنَ الْجُنُونِ وَالْجُدَامِ وَالْبَرَصِ وَشَمُّهُ يَقْلَعُهَا»^۳ گل نرگس را حداقل در هر روز یا در هر

هفته یا در هر ماه یا در هر سال و یا در طول عمر یکبار ببوید؛ زیرا در دل انسان مایه‌ای از جنون و جذام و برص وجود دارد که استشمام گل نرگس آن را ریشه کن می‌کند.»

در روایتی از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام نیز نقل شده که فرمود: «لَا تُؤَخَّرْ سَمَّ النَّرْجِسِ فَإِنَّهُ يَمْنَعُ الرُّكَامَ فِي مَدَّةِ أَيَّامِ الشَّتَاءِ»^۴ استشمام گل نرگس را به تأخیر نینداز. همانا بویدن آن مانع از ابتلا به زکام در

۱. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۱۷۷.

۲. همان، ج ۷۳، ص ۱۴۷، وج ۶۲، ص ۲۹۹، با اندکی اختلاف.

۳. بحار الانوار، ج ۶۲، ص ۹۹.

۴. همان، ج ۶۲، ص ۳۲۴.

۵. همان، ص ۳۵۱.